

شخصیت حقوقی شرکتهای چند ملیتی و آثار آن

محمد صالحی مازندرانی^۱

استادیار حقوق خصوصی دانشگاه قم

حانیه ذاکری نیا^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۲۹

تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۰۲

چکیده

شرکتهای چند ملیتی که به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه‌گذاری در قطب‌های صنعتی کشورهای رو به رشد و استفاده از امکانات این‌گونه کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس شرکتهای فرعی می‌نمایند. پس از جنگ جهانی دوم گسترش چشمگیری یافتند. رایج‌ترین الگوی ساختاری برای یک تشکیلات چند ملیتی الگوی «هرمی» است که در آن، یک شرکت مادر در رأس هرم قرار می‌گیرد و شرکتهای زیر مجموعه، تحت مالکیت و کنترل شرکت مادر تشکیل می‌شوند. در شرکتهای چند ملیتی، شرکت مادر (اصلی) تابعیت کشور محل ثبت خود؛ و شرکتهای فرعی نیز هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را دارند. شرکت چند ملیتی در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث، حسب امر، مسئولیت مدنی و کیفری دارد. همچنین در هم تنیده بودن مدیریت شرکتهای فرعی و شرکت مادر، و قرار گرفتن شرکت فرعی در سلسله مراتب اداری و مدیریتی هرم تشکیلات، لزوم مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکتهای فرعی را اقتضاء دارد. واژگان کلیدی: شرکت چند ملیتی (فراملی)، شخصیت حقوقی، اقامتگاه و تابعیت، مسئولیت مدنی و کیفری

مقدمه

شکل‌گیری و پیدایش شرکتهای چند ملیتی^۳ در سده بیستم، یکی از مناقشه برانگیزترین پدیده‌های اقتصاد جهانی بوده است. طی این مدت، شرکتهای به گونه‌ای عمل کردند که به ندرت می‌توان کشوری را یافت که به شکلی در معرض نفوذ آنها قرار نگرفته باشد. به رغم علاقمندی شرکتهای فراملی به سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته صنعتی، کشورهای در حال توسعه با اتخاذ سیاست‌هایی در صدد جلب توجه این شرکتهای جهت سرمایه‌گذاری در کشورشان هستند. رقابت برای جذب سرمایه خارجی در میان کشورهای در حال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع‌تر به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر است. رشد و گسترش شرکتهای فراملی به گونه‌ای است که امروز به عنوان یکی از عناصر و شاخصه‌های اصلی اقتصاد جهانی به شمار می‌روند و حتی برخی، رشد این شرکتهای را با روند جهانی شدن^۴ اقتصاد مترادف و یکسان می‌پندارند (Tansey, 1995: 239-242 نقل از: بهمن تاجانی، پاییز ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۸۴: ۱۴۹).

1. Email: m_salehimazandarani@yahoo.com

2. Email: h.zakerinia@gmail.com

3. Multinational Corporations

4. Globalization

(نویسنده مسئول)

هدف کشورهای جهان سوم از همکاری با شرکت‌های چند ملیتی، دستیابی به آهنگ رشد سریع‌تر؛ و هدف شرکت‌های چند ملیتی، استفاده از مزیت نسبی این شرکت‌ها و دسترسی به اقلام بیشتر سود است (خبازپیشه، نقش شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد کشورهای جهان سوم).

اگر چه اصطلاح «شرکت چند ملیتی» در بازرگانی بین‌الملل کاملاً شناخته شده است (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۵)، در سازمان ملل و مؤسسات وابسته برای اشاره به آنچه عموماً شرکت‌های چند ملیتی نامیده می‌شود، معمولاً از اصطلاح شرکت‌های فراملی^۱ استفاده می‌شود (Kamminga and Zia-Zarifi, 2000: 3-4).^۲

شرکت فراملی یا چند ملیتی، مؤسسه یا واحد اقتصادی خصوصی است که مرکز تصمیم‌گیری اصلی و محل ثبت اولیه آن در یک کشور معین است؛ اما دامنه فعالیت آن به گونه‌ای گسترده است که از حدود مرزهای ملی و قوانین و مقررات داخلی مرکز اصلی فراتر می‌رود و جنبه بین‌المللی می‌یابد.

شرکت‌های چند ملیتی از یک سو مسائل بسیار پیچیده و مبهمی را در حقوق بین‌الملل خصوصی، حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق تجارت بین‌الملل به وجود آورده‌اند؛ و از سوی دیگر، قدرت اقتصادی عظیمی در روابط بین‌المللی پیدا کرده‌اند، به نحوی که بسیاری از شرکت‌هایی که دست اندرکار سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌باشند، عموماً با هدف ایجاد مراکز در نقاط مختلف و ایجاد انحصار بین‌المللی، شبکه جهانی خود را گسترش داده‌اند. این قبیل شرکت‌ها به جای انحصارات داخلی، در کشورهایی که مقررات ضد تراستی وجود ندارد، اقدام به همکاری با شرکت‌هایی با فعالیت‌های مشابه می‌نمایند. لذا لازم است این کشورها، مقرراتی در این زمینه وضع کنند و به این شرکت‌ها اجازه ندهند اعمالی را که در داخل کشور خود قادر به انجام آن نیستند، در آن کشورها انجام بدهند (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۱).

کنفرانس سازمان ملل متحد برای تجارت و توسعه (آنکتاد)، گزارش سال ۱۹۹۳ خود را به بررسی مسائلی چون سرمایه‌گذاری جهانی، شرکت‌های چند ملیتی و بین‌المللی شدن تولید اختصاص داده است (بهنام مجتهدی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶: ۱۱۰).

امروزه تنها اقداماتی جزئی و محدود برای سازماندهی فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی وجود دارد که به ابتکار عمل چند سازمان بین‌المللی انجام می‌شود. شورای وزیران سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۶ اصول مدیریت برای شرکت‌های چند ملیتی را اتخاذ نمود که تاکنون در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۴، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰ و اخیراً در ماه می ۲۰۱۱ مورد بازبینی قرار گرفته است. بازبینی

1. Transnational Corporations

۲. برخی از نظریه‌پردازان میان مفهوم «شرکت‌های فراملیتی» (trans-national corporations = TNCs) و «شرکت‌های چند ملیتی» (multi-national corporations = MNCs) تمایز قایل شده‌اند. به گفته اینان، شرکت فراملی عمدتاً در یک کشور فعالیت می‌کند، ولی در کشورهای دیگر نیز شعب و کارخانجاتی دارد؛ در حالی که شرکت چند ملیتی در اطراف و اکناف جهان فعالیت می‌کند، بدون آنکه در ارتباط با کشوری خاص مورد شناسایی قرار گیرد. ر.ک: (Everett, 1986: 240) نقل از: بهمن تاجانی، پاییز ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۸۴: ۱۴۹).

3. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

سال ۲۰۱۱ تغییرات ساختاری گسترده‌ای را در زمینه سرمایه‌گذاری بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی ارائه می‌دهد (Organization for Economic Cooperation and Development, 2012: 21). همچنین علاوه بر کنوانسیون سازمان ملل راجع به شرکت‌های فراملی در سال ۱۹۷۴، در این خصوص می‌توان به اعلامیه سه جانبه سازمان بین‌المللی کار درباره اصول مربوط به شرکت‌های چند ملیتی و خط‌مشی اجتماعی ۱۹۷۷ موسوم به اعلامیه MNE، مجموعه مقررات و اصول راجع به کنترل رویه‌های محدودکننده تجارتي ۱۹۸۰ و مجموعه مقررات مربوط به انتقال تکنولوژی که از سوی آنکتاد، تهیه و مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته است، اشاره نمود.

شخصیت حقوقی شرکت چند ملیتی و آثار آن، مسئله‌ای است که به طور ویژه در نوشتار حاضر بدان می‌پردازیم. ویژگی‌های خاص مؤسسات چند ملیتی باعث ایجاد مباحث حقوقی خاصی شده که در مورد سایر شرکت‌ها و مؤسسات مصداق ندارد. از جمله این مباحث خاص، موضوع تابعیت و اقامتگاه شرکت چند ملیتی است که به لحاظ تعدد مکانی ارکان آن اهمیتی ویژه دارد؛ دیگر، مسئولیت شرکت مادر در قبال اعمال شرکت‌های تابعه است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه در اثر اعمال یکی از شرکت‌های تابعه در یک کشور در حال توسعه زیانی متوجه اشخاص ثالث شود، آیا امکان تعقیب حقوقی شرکت مادر (یک شرکت مستقل در کشور سرمایه فرست) وجود دارد یا خیر؟

بدین ترتیب پس از بررسی شخصیت حقوقی شرکت چند ملیتی به شناسایی اقامتگاه، تابعیت و مسئولیت شرکت چند ملیتی به عنوان آثار شخصیت حقوقی آن می‌پردازیم.

۲- شخصیت حقوقی شرکت چند ملیتی

در کلیه سیستم‌های امروزی حقوق ملی، اشخاص به دو دسته کلی «اشخاص حقیقی» و «اشخاص حقوقی» تقسیم می‌گردند.

شخصیت حقوقی، همانا صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف برای موضوعات غیرانسانی است؛ (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۴۲)؛ و شخص حقوقی، موضوع و موجود غیرحقیقی است که از نظر علم حقوق، قابلیت دارا شدن حقوق و تکالیف را دارد (صفار، ۱۳۷۳: ۷۰ تا ۸۳).

کلیه شرکت‌های مذکور در قانون تجارت ایران، به موجب ماده ۵۸۳ قانون مزبور، شخصیت حقوقی دارند و از حین ایجاد، واجد شخصیت حقوقی می‌شوند؛ و وجود شرکت وقتی کامل می‌شود که بر طبق قانون تجارت و قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشد.

شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌های چند ملیتی محدود و دارای جنبه اشتقاقی و فرعی است و از سوی دولت‌ها اعطاء می‌گردد. اگر چه این شرکت‌ها در حوزه خصوصی^۱ فعالند و

1. private sphere

تابع فعال^۱ حقوق بین‌الملل به حساب نمی‌آیند؛ ولی می‌توان آن‌ها را تابع منفعل^۲ حقوق بین‌الملل دانست؛ به این ترتیب که هر چند امروزه شرکت‌های فراملی دارای برخی از حقوق و تعهدات بین‌المللی هستند؛ اما به هیچ‌وجه خصیصه حاکمیت و حقوق و تکالیف کشورها یا سازمان‌های بین‌الدولی را ندارند (اولی پور، شخصیت حقوقی بین‌المللی).

اما آیا شرکتی که در کشوری واجد شخصیت حقوقی است می‌تواند در سایر کشورها نیز واجد شخصیت حقوقی تلقی گردد؟ اقتضای سیستم وجود فرضی^۳ شخص حقوقی این است که شناسایی قهری در خارج از قلمرو کشور اصلی وجود ندارد و هر دولتی مختار است که اشخاص حقوقی را که در خارج از قلمرو حکومت او ایجاد شده‌اند، مورد شناسایی قرار دهد یا ندهد. بر اساس سیستم وجود واقعی^۴ شخص حقوقی، شناسایی اشخاص حقوقی ایجاد شده در یک کشور، برای سایر دولت‌ها ضروری می‌باشد؛ لیکن لازم است دو مسئله ایجاد حق، و نفوذ و تأثیر حق از یکدیگر تفکیک گردند.^۵

دستورالعمل‌های OECD تأکید می‌کنند که یک شرکت چند ملیتی، «... معمولاً از شرکت‌ها یا دیگر موجودیت‌ها تشکیل شده‌اند که مالکیت خصوصی، دولتی و یا مختلط دارند، ... درجات استقلال هر واحد نسبت به دیگری بسیار متفاوت است ...». این بیان، به‌رغم توجه به شرکت‌های عمومی، تمرکز اصلی را بر واحدهای خصوصی قرار می‌دهد، همچنین نشانگر آن است که ساختار شرکت چند ملیتی، شرکت‌های مادر و مؤسسات محلی را به عنوان هویت واحد شرکت در بردارد (Meeran, 1999: 161-170).

به لحاظ عملکرد، شرکت چند ملیتی را نهادی توصیف می‌کنند که مقر آن در کشور متبوع خود واقع شده،^۷ لیکن فعالیت‌های آن در همان جا و نیز در یک یا چند کشور دیگر (کشورهای میزبان) صورت می‌گیرد (رایدل هوهن فلدرن، ۱۳۸۵: ۲۹ و ۳۰).

بر اساس نگرش کارکردگرایانه، در «کمسیون ملل متحد راجع به حقوق تجارت بین‌الملل» (آنسترال)، (Seidl-Hohenveldern, 1989, 15)، نقل از: سماواتی: ۱۲۶): «اصطلاح شرکت چند ملیتی در مفهومی گسترده استعمال می‌شود و مؤسساتی را در بر می‌گیرد که از طریق شعب، شرکت‌های تابعه، شرکت‌های وابسته، یا نهادهای دیگر، انجام فعالیت‌های تجاری مهم یا فعالیت‌های اقتصادی دیگر را در کشورهایی (کشورهای میزبان) غیر از کشور یا کشورهایی که قدرت تصمیم‌گیری یا کنترل در آنجا متمرکز شده است (کشور موطن) عهده‌دار هستند».

1. active
2. passive
3. Fictitious Theory
4. Reality Theory

۵. برای مشاهده توضیح بیشتر ر.ک: (ذاکر حسین، ۱۳۸۲: ۱۰۳ تا ۱۰۶)

6. Organization for Economic Co-operation and Development, Guidelines for Multinational Enterprises, 15 ILM (1976), at 967 (as amended in 1979, 1984 and 1991 at <www.oecd.org/daf/investment/guidelines/mnetext.htm> (15 January 2002).

۷. در صورتی که مقر شرکت در کشور دیگری باشد، تابعیت شرکت براساس کشور موطن وی معین نمی‌شود (رایدل هوهن فلدرن، ۱۳۸۵: ۳۰ (پاورقی)).

به عبارت دیگر شرکت چند ملیتی، به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه‌گذاری در قطب‌های صنعتی کشورهای رو به رشد، و استفاده از امکانات این قبیل کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (شرکتی که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می‌نماید. بنابراین در شرکت‌های چند ملیتی یا یک شرکت مادر (شرکت اصلی) - که تابعیت کشور محل ثبت خود را داراست - و چندین شرکت فرعی - که این شرکت‌های فرعی نیز هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را دارند - مواجه هستیم. شرکت اصلی به لحاظ مشکلات و دلایل اقتصادی، حقوقی و مالیاتی به‌جای افتتاح شعب مختلف در سراسر جهان، اقدام به تشکیل شرکت‌های فرعی می‌نماید و مجموعه این شرکت‌های گوناگون، شرکت چند ملیتی محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۵؛ نصیری، ۱۳۵۵: ۳۱ و ۳۲).

رایج‌ترین الگوی ساختاری شرکت چند ملیتی، الگوی «هرمی» است که مطابق آن، یک شرکت مادر^۱ در رأس هرم قرار می‌گیرد؛ و شرکت‌های زیر مجموعه، تحت مالکیت و کنترل شرکت مادر تشکیل می‌شوند؛ و هر یک از شرکت‌های زیر مجموعه نیز ممکن است به نوبه خود، یک یا چند شرکت دیگر را کنترل کنند. در اکثر موارد، شرکت مادر در یک کشور پیشرفته سرمایه فرست؛ و بسیاری از شرکت‌های زیرمجموعه در کشورهای در حال توسعه و سرمایه‌پذیر، تشکیل می‌شوند.

شرکت‌های تابعه^۲ معمولاً نه یک واحد اقتصادی مستقل، بلکه یکی از ارکان درهم تنیده یک تشکیلات چند ملیتی هستند؛ که اعمال و اقدامات خود را با کل تشکیلات هماهنگ می‌کنند. در بسیاری موارد، اعضای هیأت مدیره شرکت تابعه، کارمندان شرکت مادر هستند. مدیریت این شرکت‌ها

۱. شرکت مادر Parent Company: شرکتی است که از طریق داشتن مالکیت سهام، فعالیت‌های شرکت دیگر را کنترل می‌کند. شرکت کنترل‌کننده‌ای که دارای شرکت‌های فرعی متعدد بوده و خود فعالیت تجاری ندارد. به شرکت مادر، شرکت دارنده نیز گفته می‌شود.

۲. شرکت فرعی (تابعه) Subsidiary Company: متداول‌ترین صورت ابراز فعالیت یک شرکت در خارج از کشور، اقدام به تشکیل یک شرکت فرعی است. در ضمن قوانین و مقررات اغلب کشورها، و از جمله ایران، پاره‌ای محرومیت‌های خاص برای اتباع بیگانه در نظر گرفته شده است و برای اینکه یک شرکت بتواند فارغ از قید این مقررات در خارج فعالیت کند، ساده‌ترین راه حل این است که، با سرمایه خود در آن کشور یک شخصیت حقوقی تأسیس، و در لوای تابعیت محلی شرکت فرعی خود، تجارت یا سرمایه‌گذاری نماید، این ترتیب، مستلزم یک فایده عملی دیگری نیز هست؛ به این تعبیر که شرکت، در حالی که با حفظ اکثریت مطلق سهام شرکت فرعی خود، نظارت کامل خویش را در کلیه امور مربوط به شرکت فرعی مزبور اعمال می‌نماید، قسمتی از سهام شرکت فرعی را به سرمایه‌داران محلی عرضه می‌دارد؛ و با جلب مشارکت سهامداران محلی و استفاده از تجربه و تخصص آنان، موجبات شکل‌گیری و گسترش کار خود را فراهم می‌کند (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۳۱ و ۱۳۲). شرکت اصلی به‌لحاظ مشکلات و دلایل اقتصادی، حقوقی و مالیاتی به‌جای افتتاح شعب مختلف در سراسر جهان، اقدام به تشکیل شرکت‌های فرعی می‌نماید (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۵ و ۱۴۶).

شرکت وابسته (Associated Company) Affiliated Company: به شرکتی می‌گویند که به شرکت دیگری وابسته باشد؛ اعم از اینکه مالک سهام باشد و یا سهام آن در دست شرکت دوم باشد. شرکتی است که به طور غیرمستقیم یا مستقیم از طریق یک یا چند شرکت واسطه، شرکت دیگری را کنترل می‌کند؛ یا به وسیله شرکت دیگری کنترل می‌شود؛ و یا با شرکت دیگر مشترکاً به وسیله شرکت سوم کنترل می‌گردد.

نه به صورت مستقل، بلکه در هماهنگی کامل با سیاست‌ها و اهداف کل تشکیلات حرکت می‌کند و اغلب، شرکت‌های تابعه تنها مجری برنامه‌هایی هستند که از طرف شرکت مادر تنظیم می‌شود. از این رو، بعضاً یک شرکت تابعه، از لحاظ ارگانیک، یکی از واحدها یا بخش‌های عملیاتی شرکت مادر است که تنها از نظر حقوقی به شکل یک شرکت مستقل تعریف شده است. در حقیقت شرکت مادر ممکن است به دلایل مختلفی بعضی از بخش‌های خود را به شکل شرکت‌های مستقل ساماندهی و اداره کند؛ در حالی که از نظر عملیاتی کاملاً ممکن بود این بخش‌ها به صورت یک شعبه^۱ از شرکت مادر تشکیل شوند.

کشورهای رو به رشد، به منظور حفظ منافع خود در مقابل نفوذ غیرمستقیم شرکت‌های چند ملیتی، رفته رفته مقررات خود را در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی تغییر داده‌اند و در برخی کشورها، موجهاتی فراهم شده است تا از میزان دخالت شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد داخلی کشورها در حد امکان کاسته شود. ساده‌ترین روش، همانا محدود کردن درصد سرمایه‌گذاری خارجی در واحدهای صنعتی، تولیدی و مؤسسات مالی کشورهای سرمایه‌پذیر است. همچنین از آنجا که در شرکت‌های سهامی، دارندگان اکثریت سهام شرکت، زمام امور و مدیریت را به عهده می‌گیرند، لذا به منظور جلوگیری از تمرکز مدیریت در یک شرکت چند ملیتی خارجی، می‌توان واحدهای صنعتی و مؤسسات مالی را ملزم ساخت تا اکثریت سهام خود را در اختیار سرمایه‌گذاران داخلی قرار دهند (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۲). یک شرکت چند ملیتی، دارای مدیریت بین‌المللی در تمام سطوح است. با وجود مالکیت بین‌المللی، تمرکز تصمیم‌گیری‌های استراتژیک در مرکز واحد، عموماً به همراه استقلال وسیع مدیریت‌های ملی می‌باشد (هانری فورود، ۱۳۶۰: ۸ و ۹).

حال دانستیم که شرکت چند ملیتی مرکب از یک شرکت مادر و یک یا چند شرکت فرعی است. شرکت مادر نه تنها از طریق مالکیت سهام، کنترل مدیریت، تملک اکثریت سهام، اکثریت حق رأی یا حق نصب مدیران، با شرکت یا شرکت‌های فرعی خارجی در ارتباط است، بلکه فعالیت آن‌ها را در چارچوب برنامه‌های دفتر مرکزی هدایت می‌کند.

بدین ترتیب شرکت فرعی خارجی طبق قانون همان کشور خارجی، با شخصیت حقوقی مستقل، در کشور محل ثبت، از وضعیت حقوقی یک شرکت تجاری داخلی برخوردار است؛ به گونه‌ای که حتی اگر صد در صد سهام شرکت فرعی در تملک شرکت اصلی باشد، موجودیت شرکت

۱. شعبه: گاهی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به منظور ایجاد اعتماد بیشتر، به جای فعالیت توسط شرکت فرعی مبادرت به تأسیس شعبه می‌نمایند. شعبه، شخصیت حقوقی مستقل ندارد و تابع شرکت مادر است. در ایران، به موجب ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، چنین شرکتی باید اولاً، در کشور خود از نظر قانونی شناخته شده باشد؛ و ثانیاً، در اداره ثبت شرکت‌ها با رعایت آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها، به ثبت برسد (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۳۲ و ۱۳۳؛ تقوی، ۱۳۶۶: ۱۲۲؛ اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۴۸۹، ۴۹۲ و ۴۹۴). شرکتی را که تنها شعبه یا نمایندگی در کشور دیگر دارد، نمی‌توان شرکت چند ملیتی نامید (کریم کاشی آرائی؛ ۱۳۸۶: ۱۶۵).

فرعی از بین نمی‌رود و کماکان شخصیت حقوقی سابق خود را حفظ می‌نماید. با توجه به اینکه شرکت‌های فرعی شخصیت حقوقی جداگانه‌ای دارند، لذا از قوانین حقوقی مجزایی تبعیت می‌نمایند. اما گاهی شرکت‌های چند ملیتی به منظور ایجاد اعتماد بیشتر، به جای فعالیت توسط شرکت فرعی مبادرت به تأسیس شعبه می‌نمایند؛ که فاقد شخصیت حقوقی مستقل و تابع شرکت مادر است (تقوی، ۱۳۶۶: ۱۲۲؛ اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۴۸۹، ۴۹۲ و ۴۹۴).

در ادامه سه مسئله اقامتگاه، تابعیت و مسئولیت را به عنوان آثار شخصیت حقوقی شرکت چند ملیتی، با ملاحظه تفکیک شخصیت شرکت فرعی از شرکت مادر، بررسی می‌نماییم.

۳- آثار شخصیت حقوقی شرکت چند ملیتی

۳-۱- اقامتگاه و تابعیت شرکت چند ملیتی

اقامتگاه عنصر بسیار مهمی در تعیین قلمرو وضعیت اشخاص است. اقامتگاه مرکز قانونی هر شخص و مکانی است که شخص از نظر قانونی در آنجا استقرار یافته است.^۱ از آنجا که اشخاص حقوقی می‌توانند طرف قرارداد با سایر اشخاص قرار بگیرند، لذا بایستی اقامتگاه داشته باشند تا امکان ردیابی آنان در هر شرایطی باشد (غمامی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). مسئله تعیین اقامتگاه در جهت تعیین تابعیت اشخاص حقوقی بسیار مهم است. حقوق ایران مانند حقوق فرانسه، ایتالیا و امریکا، اقامتگاه اشخاص را مرکز مهم امور آن‌ها می‌داند. در مقابل، کشورهایی نظیر پرتغال، اسپانیا، سوئد و سوئیس، ضابطه محل سکونت را برگزیده‌اند (مرآتی، ۱۳۷۸).

اصطلاح تابعیت در اصل برای اشخاص حقیقی به کار می‌رود و میان تابعیت اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوت‌هایی وجود دارد. گرچه اشخاص حقوقی هم مانند اشخاص حقیقی، دارای تابعیت هستند، ولی تطبیق موازین حمایت سیاسی نسبت به اشخاص حقوقی به خصوص شرکت‌های چند ملیتی کاری بس دشوار است. (ذاکر حسین، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

برای تعیین تابعیت شرکت‌های چند ملیتی، از میان ضوابط به کار رفته در سیستم‌های قانونگذاری و قضایی کشورهای مختلف (در تعیین تابعیت شرکت‌ها) سه دسته ضابطه را می‌توان در نظر گرفت: محل ثبت و تشکیل، مرکز اصلی شرکت و سیستم کنترل. می‌دانیم که هر یک از ضابطه‌های اول و دوم، در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد قبول است؛ در حالی که سومین روش غالباً در مواردی استعمال می‌گردد که اهداف خاصی مد نظر باشد.

تابعیت شرکت‌ها به عمل ارادی اشخاص مؤسس شرکت بستگی دارد. دولت می‌تواند تابعیت خویش را به یک شرکت اعطاء نماید اگر، آن شرکت طبق قوانین آن دولت تأسیس شده باشد؛ یا مقر

1. Encyclopedie juridique Tome III. Yaaviane Bufftan- Lanore. Domicile et demeure, p2, Dalloz, v2, Avril 2001.

و یا مرکز فعالیت‌های خود را در آن کشور قرار داده باشد؛ یا توسط اتباع آن کشور کنترل شود (Levy, 1984)؛ (Ginther, 1966: 79)¹.

در لزوم تعیین تابعیت، مسئله این نیست که بینیم شرکت چند ملیتی مورد نظر، منسوب به کدام کشور است؛ بلکه مسئله، تعیین شرایطی است که با حصول آن، بعضی قواعد حقوق آن کشور، قابل اجرا در مورد شرکت مزبور خواهد بود. از این رو، تعارضی میان اعمال قواعد حقوقی یک کشور برای تعیین اعتبار حقوقی عمل تشکیل شعبه‌ای مستقر در خاک آن، و رفتار کشور مزبور نسبت به این شعبه، و تلقی آن به عنوان «شرکت خارجی»² وجود ندارد (فاتوروس، ۱۳۶۵).

در همین راستا وضع مقررات ملی و بین‌المللی، برای شرکت‌های چند ملیتی ضروری است. در بعضی موارد، وضع مقررات بین‌المللی، بدون وجود مقررات ملی به موازات آن، امکان‌پذیر نیست؛ و مقررات داخلی نیز به تنهایی کافی نیست و تدابیر و یا اقدامات بین‌المللی برای هماهنگی و وضع مقررات مستقیم، جهت تکمیل مقررات داخلی و تأثیرگذاری بیشتر آن‌ها ضروری است (فاتوروس، ۱۳۶۵). مهم‌ترین اثر تابعیت، تقسیم افراد به اتباع و بیگانه است که نحوه برخورد دولت‌ها با این دو گروه متفاوت است. در مورد گروه اول، کشورها به دیده اعطای حقوق و امتیازات و حمایت سیاسی می‌نگرند؛ اما در مورد دوم، با نظر ایجاد محدودیت و برقراری قیود مختلف برخورد می‌کنند (مرآتی، ۱۳۷۸).

مطابق نظر کارشناسان سازمان ملل متحد، «شرکت چند ملیتی، شرکتی است که به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه‌گذاری در قطب‌های صنعتی کشورهای رو به رشد و استفاده از امکانات این‌گونه کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (یعنی شرکتی که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می‌نماید. بنابراین، در شرکت‌های چند ملیتی، با یک شرکت مادر (شرکت اصلی) که تابعیت کشور محل ثبت خود را داراست؛ و چندین شرکت فرعی که این شرکت‌های فرعی نیز هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را خواهند داشت، مواجه هستیم» (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۵).

هر چند به عنوان اصل کلی، در اغلب کشورها، معیار تعیین تابعیت شرکت‌ها، مرکز اصلی آن‌هاست، اما در تفسیر مرکز اصلی، میان کشورهای مختلف، تفاوت‌هایی وجود دارد. «محل تشکیل مجامع عمومی و جلسات هیأت مدیره»، «مرکز مهم امور»³، «محل مذکور در اساسنامه»⁴، و «محل کنترل شرکت» از آن جمله‌اند.

۱. نقل از: رایدل هوهن فلدرن، ۱۳۸۵: ۱۱۲.

۲. به عنوان مثال صلاحیت لازم جهت انجام فعلیتی مرتبط به دفاع ملی را به او نمی‌دهد.

۳. ایراد این نظر آن است که تشخیص مرکز مهم امور شرکتی که در کشورهای مختلف فعالیت دارد، مشکل است.

۴. در این نظریه امکان سوء استفاده وجود دارد؛ ممکن است ظاهراً مرکز اصلی را در اساسنامه کشوری قرار دهند، که واقعاً مرکز مهم امور شرکت در آن کشور نباشد.

تابعیت مؤثر^۱ شرکت چند ملیتی، تابعیت اکثریت سهامداران آن است (ذاکر حسین، ۱۳۸۲: ۱۱۵). با توجه به اینکه در شرکت‌های بزرگ، تعیین تابعیت اکثریت سهامداران مشکل است (رایدل هوهن فلدن، ۱۳۸۵: ۱۱۳)، آیا این تابعیت در عرصه بین‌المللی، جنبه قانونی یافته است یا خیر؟ رویه قضایی بین‌المللی در این خصوص که حمایت سیاسی نسبت به اشخاص حقوقی بر اساس تابعیت مؤثر شرکت (تابعیت اکثریت سهامداران) صورت می‌گیرد، یا بر اساس تابعیت قانونی (مرکز اصلی و محل ثبت) پاسخ قطعی ندارد (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۹ تا ۱۵۲).

در قضیه «بارسلونا تراکشن»^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری^۳ ضرورتی ندید که هویت اصلی شرکت را برملا سازد، تا بدین وسیله به دولت متبوع سهامداران حق حمایت دیپلماتیک اعطاء کند؛ زیرا آنچه اتفاق افتاده بود، بر حقوق شرکت تأثیر گذاشته بود، نه حقوق سهامداران. لیکن در صورت خاتمه حیات شرکت، دولت متبوع سهامداران حق دارد از منافع آن‌ها حمایت کند (رایدل هوهن فلدن، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۵). از این رو، دولتی که شرکت ظاهراً تابعیت آن را داراست، ممکن است از اعمال حمایت دیپلماتیک خود نسبت به آن شرکت امتناع ورزد. دولت متبوع اکثریت سهامداران نمی‌تواند از شرکتی حمایت کند که تابعیت آن دولت را ندارد، هر چند که منفعت آشکار دولت در این اقدام باشد. همچنین مادام که شرکت به عنوان شخصیتی جداگانه موجودیت داشته باشد، دولت نمی‌تواند از اتباع خود به عنوان سهامداران یک شرکت، در قبال اقداماتی حمایت نماید که بر شرکت تأثیر می‌گذارند (رایدل هوهن فلدن، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

مشکلات ویژه شرکت‌های چند ملیتی، ناشی از فقدان پیوند واقعی با کشور میزبان نیست؛ بلکه به عکس ناشی از این است که شرکت، پیوندهای محکمی^۴ با کشورهای متعدد، در آن واحد دارد؛ و در عین حال هویت خاص خود را حفظ می‌کند. به این ترتیب می‌توان شرکت چند ملیتی را موجودیتی دانست که تابعیت چندگانه دارد. ولی برخلاف آنچه که در مورد اشخاص طبیعی در داشتن تابعیت مضاعف و چندگانه صادق است، هر یک از دولت‌هایی که شرکت‌های چند ملیتی تابعیت آن را دارند، می‌توانند شعبه مستقر در خاک خود را به عنوان شرکت خارجی تلقی کنند. زیرا طبیعت شرکت چند ملیتی به گونه‌ای است که پیوندهای هر شعبه با کشور میزبان، «ضعیف‌تر» از پیوندهایی است که شعبه را به شرکت کل و در نتیجه به مجموعه سایر کشورهای تابعیت شرکت چند ملیتی در آنجا فعالیت دارد،

1. Effective Nationality

۲. طرح دعوا در قضیه مربوط به شرکت با مسئولیت محدود روشنایی و نیرو بارسلونا تراکشن (دعوی بلژیک علیه اسپانیا)، با دادخواست ۱۹ ژوئن ۱۹۶۲ صورت گرفت و در آن دولت بلژیک، خواستار پرداخت غرامت برای خسارات وارده به اتباع بلژیکی سهامدار شرکت کانادایی بارسلونا تراکشن به سبب اقدام ارکان مختلف کشور اسپانیا، گردید (ضیائی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

۳. رأی مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۴

۴. یعنی پیوندهایی که معمولاً برای کسب تابعیت یک کشور خاص کافی است.

مرتبط می‌سازد. هر یک از شرکت‌های فرعی در واقع فقط یک تابعیت دارند (محل ثبت)، ولی به لحاظ اینکه شرکت اصلی، دارنده سهام شرکت‌های فرعی محسوب می‌گردد، مجموعه این سازمان حقوقی (شرکت‌های گوناگون) چند ملیتی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی چند ملیتی هستند که به لحاظ داشتن شرکت‌های فرعی در کشورهای مختلف و یا به لحاظ تابعیت‌های گوناگون سهامداران و اعضای هیأت مدیره خود، چند ملیتی تلقی می‌شوند. این شرکت‌ها از یک سو، مجری نظریات اقتصادی و مدیریت متمرکز شرکت اصلی می‌باشند؛ و از سوی دیگر، تابعیت کشور محل ثبت خود را دارا خواهند بود (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۵-۱۴۶).

به نظر می‌رسد چنانچه شرکتی سه ضابطه تابعیت را همزمان دارا باشد، بتواند از اجرای حمایت سیاسی دولت مبدأ خود مطمئن باشد و در این راه موفق شود (البته با در نظر گرفتن این فرض که دولت در اجرای حمایت دیپلماتیک مختار است). به این ترتیب شرکت‌هایی که وضعیت حقوقی آن‌ها پیچیده‌تر است، در شرایطی مبهم قرار می‌گیرند.

۲-۳- مسئولیت شرکت چند ملیتی

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ بنا به مأموریت خود یک هیأت فرعی بین‌الدولی به نام «کمیسیون شرکت‌های فراملی» با هدف کمک به درک بهتر ماهیت شرکت‌های فراملی و تأثیرات سیاسی، حقوقی و اقتصادی بر کشورهای مادر و میزبان، تأسیس کرد. از جمله اقدامات اولیه آن تدوین و تنظیم «مجموعه قواعد رفتاری» شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی، که موضوعات آن عبارت بودند از: نفوذ این شرکت‌ها در سایر کشورها؛ مسئولیت کشور در قبال رعایت حاکمیت قوانین و مقررات و حاکمیت کشوری که شرکت‌ها در آن به فعالیت می‌پردازند؛ خودداری از مداخله در امور داخلی کشور میزبان، ارتشاء و تأثیرگذاری و نفوذ بر مقامات رسمی دولتی کشور میزبان. از جمله اهداف دیگر این کمیسیون، اتخاذ یک سری قواعد رفتاری در خصوص جنبه منفی (فسادآلود) معاملات بین‌المللی شرکت‌های چند ملیتی بود. اتحادیه اروپا از دهه ۱۹۷۰ به مسئولیت شرکت‌ها علاقمند بوده است؛ تا آنکه در ژانویه ۱۹۹۹، پارلمان اروپا طی قطعنامه‌ای، قانون حسن رفتار شرکت‌های اروپایی در کشورهای در حال توسعه را تدوین نمود (لطفی، ۱۳۹۰: ۹۶).

کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مورد فساد ۱۹۹۹، و نیز کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳، در زمره معدود اسناد بین‌المللی هستند که تعهداتی را بر شرکت‌های چند ملیتی تحمیل می‌کنند.

۱. کنوانسیون مزبور در ۲۱ خرداد ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

با گستردگی فعالیت‌ها در زمینه حمایت و حفاظت از حقوق بشر و محیط زیست و افزایش جنبش‌ها و سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان عفو بین‌الملل، افکار عمومی دیگر پذیرای تخطیات شرکت‌های چند ملیتی نیست و تا اندازه‌ای بر فعالیت آن‌ها تأثیر گذارده تا آنجا که خود شرکت‌های چند ملیتی نیز پذیرفته و محتاط‌تر برخورد می‌کنند (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

پیمان‌نقته به موجب شرط ویژه‌ای پیش‌بینی می‌نماید که شهروندان در موارد نقض قوانین حمایت از محیط زیست یا قانون کار علیه شرکت‌های فعال در زمینه تحت پوشش قرارداد، شکایت کنند (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). اصل پذیرش شخص حقوقی، مسئولیت آن را نیز به دنبال دارد؛ زیرا از تجلیات و نتایج شخصیت حقوقی، مسئولیت آن است (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۶۲).

مسئولیت، پاسخگویی به تخلفاتی است که شخص نسبت به تعهدات و وظایف خود مرتکب شده است؛ و مسئول کسی است که «فرضه‌ای به ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می‌شود»^۱. اما بحث اصلی، لزوم جبران خساراتی است که برخلاف حق بر دیگری وارد شده است و این، یکی از اصول مسلم حقوقی است که مورد توجه هر حقوق‌دانی است. به تعبیر «دوما» حقوق‌دان معروف فرانسوی «هر تلف و هر زیانی که به وسیله عمل دیگری تحقق یابد؛ خواه منشأ آن بی‌احتیاطی، اهمال یا عدم اطلاع از امری که دانستن آن لازم یا خطای مشابه - هر چند بسیار سبک باشد - باید به وسیله کسی که بی‌احتیاطی یا خطای دیگری داشته است، جبران شود؛ زیرا این عمل ظلمی است که اعمال شده؛ هر چند فاعل قصد اضرار نداشته باشد» (صفار، ۱۳۷۳: ۴۴۸-۴۴۹).

عدالت حقوقی اقتضاء دارد همان‌گونه که اشخاص حقیقی در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی اگر خسارت و زیانی وارد آوردند، یا قانونی را نقض و مرتکب جرمی شدند، باید متحمل مجازات یا پرداخت غرامت شوند، در مورد اشخاص حقوقی نیز چنین باشد. مسئله این است که چون اقدامات و اعمال و تصمیمات شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی نماینده شخص حقوقی صورت می‌گیرد، دامنه مسئولیت اشخاص حقوقی تا کجاست؟

در تمام معاهداتی که در رابطه با مسئله مسئولیت شرکت است، قانونگذاری در زمینه مسئولیت مدنی و کیفری شرکت به عهده دولت‌ها گذاشته شده است. به‌رغم فقدان راهکار اجرایی در سطح بین‌المللی، گرایشی در حقوق بین‌الملل وجود دارد مبنی بر اینکه اشخاص بین‌المللی غیردولتی ناقض تعهدات ناشی از حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در واقع مسئول جبران خسارت می‌باشند (Mongelard, 2006: 673). هر چند در نظر اول، تصور اینکه چگونه یک شرکت - که موجودی انتزاعی و غیرفیزیکی است - می‌تواند به طور مستقیم با فعل خود، مرتکب نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شود، دشوار است (Mongelard, 2006: 673-674).

۱. محمد معین، فرهنگ معین، جلد ۳، واژه مسئول و مسئولیت

۱-۲-۳- مسئولیت مدنی شرکت چند ملیتی

مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی دارای دو معنای اعم و اخص است. در معنای اعم، مسئولیت مدنی عبارت است از «وظیفه حقوقی که شخص در برابر دیگری به انجام یا ترک عملی دارد. اعم از اینکه منشاء آن، عمل حقوقی یا مادی باشد؛ و یا مستقلاً منشاء مسئولیت، مقررات قانونی باشد» (شهیدی و یزدانیان، ۱۳۷۹: ۳۵)؛ و در معنای اخص «وظیفه حقوقی شخص است در برابر دیگری به تسلیم مال در عوض استیفا از مال یا عمل دیگری یا وظیفه جبران زیان وارده در اثر فعل یا ترک فعل یا ترک فعلی که ناشی از قرارداد نباشد» (همان، ۳۶).

در وجه افتراق دو معنای مسئولیت مدنی - که همانا مسئولیت قراردادی است - چنانچه یک شرکت چند ملیتی، هر نوع تعهدات قراردادی خود را نقض کند، مسئول جبران خسارات ناشی از آن خواهد بود. اما آیا شرکت مادر مسئول اجرای تعهدات قراردادی شرکت‌های فرعی خود می‌باشد؟ به نظر می‌رسد از آنجا که شرکت‌های فرعی واجد شخصیت حقوقی مستقل از شرکت مادر هستند، به تنهایی مسئول اجرای تعهدات قراردادی خود می‌باشند؛ و در صورت عدم اجرا و نقض تعهدات قراردادی، چنانچه شرکت فرعی نتواند از عهده جبران خسارات ناشی از نقض مزبور برآید، شرکت مادر ضامن خواهد بود.

شاید بتوان گفت که شرکت مادر به ویژه در رابطه با مسئولیت شرکت فرعی نسبت به محیط و محصولات خود، در مقابل طلبکاران، مسئولیت مستقیم دارد (Prokopieva, 2003-2004: 40).

در خصوص معنای اخص مسئولیت مدنی باید گفت شرکت چند ملیتی مسئول جبران خسارات ناشی از افعال کارکنان، سهامداران و شرکت‌های زیر مجموعه خود می‌باشد (Mongelard, 2006: 677). نه تنها از آن جهت که شخص حقوقی می‌تواند طرف تعهد واقع شود و دارای مسئولیت مدنی است؛ بلکه با وجود آنکه معمولاً شرکت‌های مادر برای فرار از مسئولیت‌های حقوقی و مالی مبادرت به تأسیس شرکت‌های فرعی و اقماری با شخصیت حقوقی مستقل می‌نمایند، چون شرکت‌های فرعی معمولاً منابع مالی کافی ندارند و یا زود منحل می‌شوند، حکم به مسئولیت شرکت مادر می‌شود. البته در این راستا لازم است ارکان مسئولیت مدنی (وجود ضرر مسلم، مستقیم و جبران نشده؛ ارتکاب فعل زیان آور؛ و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر ایجاد شده) جمع گردد (تیموری، ۱۳۸۵).

در هم تنیده بودن مدیریت شرکت‌های تابعه و شرکت‌های مادر و قرار گرفتن شرکت تابعه در سلسله مراتب اداری و مدیریتی هرم تشکیلات، لزوم مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه را یادآور می‌شود. علاوه بر این، معمولاً شرکت تابعه از امکانات و توانایی مالی کمتری برای جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث برخوردار است؛ در حالی که در بسیاری موارد اشخاص ثالث با در نظر گرفتن اعتبار کل مجموعه وارد معامله با شرکت تابعه می‌شوند و لذا این انتظار وجود دارد که همان گونه که در زمان عملیات و کسب سود، شرکت مادر به عنوان متولی

شرکت تابعه، اقدام به هدایت عملیات و جهت‌دهی به آن می‌نماید، در زمان زیان و یا ورشکستگی نیز مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد و خود را پشت اصل مسئولیت محدود پنهان نکند.

۲-۲-۳- مسئولیت کیفری شرکت چند ملیتی

یکی از مسائل بحث‌انگیز در حقوق جزای کشورها، مسئله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. فقدان دکتترین واحد و راهگشا در این زمینه، موجب شده است که قوانین کشورها و به تبع آن دادگاه‌ها، رویه‌های متفاوت و گاه متضادی در برخورد با این مسئله اتخاذ نمایند^۱. این اختلاف رویه‌ها، به پذیرش هر یک از دو نظریه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بستگی دارد^۲. ماده ۱۴۲ قانون جدید مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰ در این راستا بیان می‌دارد: «در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که فردی که اختیار نمایندگی تصمیم‌گیری یا نظارت از سوی شخص حقوقی را دارد، به نام، از طرف یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود».

ارتکاب جرائم اشخاص حقوقی باید محدود به موارد مجرمانه‌ای شود که با ماهیت و موضوع شخص حقوقی سازگاری دارد. اگر موضوع شخص حقوقی، امور بازرگانی باشد، جرائم علیه اموال و مالکیت با طبیعت آن سازگار است؛ به نظر می‌رسد زمانی باید شخص حقوقی مسئول شناخته شود که عمل شخص حقیقی برای وی، سود بالقوه یا بالفعل در بر داشته باشد (نبی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۵). در تصمیمات قضایی به مسئولیت شرکت مادر در قبال خسارات محیطی که به وسیله شرکت‌های تابعه خارجی وارد آمده، حکم می‌گردد؛ به ویژه آنجا که شرکت مادر، کنترل شدیدی بر شرکت فرعی خود دارد.

با پذیرش مسئولیت کیفری، انواع مجازات‌های ویژه اشخاص حقوقی، از قبیل انحلال، تعطیلی موقت، ضبط دارایی، مصادره اموال، جزای نقدی و ... (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۶۴)؛ حسب مورد، برای شرکت چند ملیتی نیز قابل اعمال خواهد بود.

۱. به نحوی که قانون بعضی از کشورها همچون «قانون جزای کوبا»، اجرای همه نوع کیفر (اعم از مالی و غیرمالی) را در مورد اشخاص حقوقی ممکن و روا می‌داند و از انحلال و تعطیل شدن شخصیت‌های حقوقی به عنوان مجازات‌های جایگزین اعدام و حبس سخن می‌گوید؛ در حالی که دسته‌ای دیگر از کشورها حتی اجرای کیفرهای مالی همچون اخذ جریمه را منع می‌کنند؛ چنانچه دیوان عالی کشور فرانسه در رأی شماره «۸۴-۱-۵۴۲۰» اعلام داشت: «جریمه، مجازات به شمار می‌رود و مجازات در غیر مواردی که قانون استثناء کرده است، جنبه شخصی دارد. لهذا نمی‌توان حکم به جریمه علیه یک شرکت که شخص حقوقی است و فقط مسئولیت مدنی دارد، صادر کرد» ر.ک: (تیموری، ۱۳۸۵).

۲. برای ملاحظه دلایل موافقان و مخالفان هر یک از این دو نظریه، ر.ک: (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۶۳-۶۴)؛ (خدابخشی، ۱۳۸۷: ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۲۷)؛ (Engle, 2006: 294, 295, 303, 312).

نتیجه‌گیری

اصطلاح شرکت چند ملیتی^۱، که سابقه آن در جهان به سال ۱۸۶۷ میلادی بر می‌گردد، و پس از جنگ جهانی دوم گسترش چشمگیری یافته است، به شرکتهای اطلاق می‌شود که به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه‌گذاری در قطب‌های صنعتی کشورهای در حال توسعه و استفاده از امکانات این قبیل کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (یعنی شرکتهای که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می‌کند. یک تشکیلات چند ملیتی ممکن است از الگوهای ساختاری متفاوتی برخوردار باشد؛ اما رایج‌ترین الگوی ساختاری برای یک تشکیلات چند ملیتی الگوی «هرمی» است که در آن، یک شرکت مادر در رأس هرم قرار می‌گیرد و شرکت‌های زیر مجموعه، تحت مالکیت و کنترل شرکت مادر تشکیل می‌شوند؛ و هر یک از شرکت‌های زیر مجموعه نیز ممکن است به نوبه خود، یک یا چند شرکت دیگر را کنترل کنند و به این ترتیب یک ساختار هرمی شکل می‌گیرد. در اکثر موارد، شرکت مادر در یک کشور پیشرفته سرمایه فرست؛ و بسیاری از شرکت‌های زیر مجموعه در کشورهای در حال توسعه و سرمایه پذیر تشکیل شده‌اند.

شخصیت حقوقی به موجب حقوق و تکالیف شرکت، مستقر می‌گردد. شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی نیستند؛ پس نباید برای آن‌ها حقوق یا تکالیفی در این زمینه در نظر گرفت. این استدلال قوی به نظر می‌رسد؛ با این حال استدلال‌هایی برخلاف آن هم موجود است. امروزه ماهیت و تمرکز قدرت در عرصه بین‌الملل دچار تغییر شده و به خصوص قدرت عوامل غیردولتی (مانند شرکت‌های چند ملیتی) بسیار افزایش یافته است. از این رو شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌های چند ملیتی محدود است.

به علاوه همان شخصیت حقوقی اندک و محدود هم جنبه اشتقاقی و فرعی دارد، یعنی از سوی دولت‌ها اعطاء شده است. حتی اگر صد در صد سهام شرکت فرعی در تملک شرکت اصلی باشد، موجودیت شرکت فرعی از بین نمی‌رود و کماکان شخصیت حقوقی سابق خود را حفظ می‌نماید. با توجه به اینکه شرکت‌های فرعی شخصیت حقوقی جداگانه‌ای دارند، لذا از قوانین حقوقی مجزایی تبعیت می‌نمایند.

در خصوص تابعیت شرکت‌های چند ملیتی، در سیستم‌های قانون‌گذاری و قضایی کشورهای مختلف، سه ضابطه اصلی محل ثبت و تشکیل، مرکز اصلی شرکت و سیستم کنترل را می‌توان بر شمرده. در شرکت‌های چند ملیتی، شرکت مادر یا شرکت اصلی، تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد و شرکت‌های فرعی هر کدام، تابعیت کشور محل ثبت خود را دارند. از آنجا که خصوصیت اساسی شرکت چند ملیتی، فقدان پیوند انحصاری با یک کشور است، مفهوم تابعیت با آن متناسب نیست. حتی اگر پیوندهای شرکت چند ملیتی با کشور مبدأ آن (کشور ستاد اصلی شرکت) را مستحکم‌تر از پیوندهای آن با هر یک از کشورهای

میزبان بدانیم، این پیوندها در بسیاری از موارد خیلی ضعیف‌تر از مجموع پیوندها با سایر کشورهاست. از نظر شرکت چند ملیتی، منافع مؤسسه اصلی در کشور مبدأ مادون منافع شرکت در مجموع آن است. در هم تنیده بودن مدیریت شرکت‌های تابعه و شرکت‌های مادر و قرار گرفتن شرکت تابعه در سلسله مراتب اداری و مدیریتی هرم تشکیلات، مسئولیت مدنی و کیفری شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه را اقتضاء می‌نماید. علاوه بر این، معمولاً شرکت تابعه از امکانات و توانایی مالی کمتری برای جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث برخوردار است؛ در حالی که در بسیاری موارد اشخاص ثالث با در نظر گرفتن اعتبار کل مجموعه وارد معامله با شرکت تابعه می‌شوند؛ و بنابراین این انتظار وجود دارد که همان‌گونه که در زمان عملیات و کسب سود، شرکت مادر به عنوان متولی شرکت تابعه اقدام به هدایت عملیات و جهت‌دهی به آن می‌نمود، در زمان زیان و یا ورشکستگی نیز مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد و خود را پشت اصل مسئولیت محدود پنهان نکند.

منابع

الف - فارسی

۱. اشمیتوف، کلا یو ام؛ *حقوق تجارت بین‌الملل*. ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، جلد ۱، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۲. اولی پور، محمد صادق؛ *شخصیت حقوقی بین‌المللی*، قابل مشاهده در: <http://www.iranbar.org/ph1141.php>
۳. بهمن تاجانی، شهرام؛ «جایگاه شرکت‌های فراملی در اقتصاد بین‌المللی و چشم‌اندازهای آینده»؛ نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام، نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی، پاییز ۱۳۸۳ الی تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۶ الی ۱۹.
۴. بهنام مجتهدی، ایرج؛ «شرکت‌های چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهان (بخش سوم): آثار سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۳۷۳، شماره‌های ۸۵ و ۸۶.
۵. تقوی، مهدی؛ *تجارت بین‌الملل*، انتشارات پیشبرد، تهران، ۱۳۶۶.
۶. تیموری، محمد؛ «ماهیت شخصیت حقوقی و نظریات مرتبط با آن»، دانش پژوهان، ۱۳۸۵، شماره ۹. قابل مشاهده در: <http://www.hawzah.net/hawzah/magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=5823&id=58797>
۷. خباز پیشه، مهدی؛ نقش شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد کشورهای جهان سوم، استاد راهنما: صدراالله البرزی، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۶۸.
۸. خدابخشی، عبدالله؛ «نقش قواعد مدنی در شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی»، *فقه و حقوق (فصلنامه حقوق اسلامی)*، سال پنجم، ۱۳۸۷، ش ۱۷.
۹. ذاکر حسین، عبدالرحیم؛ «شرکت‌های فراملی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۱۳۸۲، ش ۶۱.
۱۰. رایدل هوهن فلدن، آیگناس؛ *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه و تحقیق: سید قاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۱۱. سماواتی، حشمت‌الله؛ «شرکت‌های چند ملیتی: عطیه یا بلیه؟»، *سیاسی - اقتصادی*، سال ۹۹؟، ش ۱۰۳ و ۱۰۴.
۱۲. سوئزی، پل و دیگران؛ *شرکت‌های چند ملیتی*، ترجمه سهراب بهداد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۵۸.

۱۳. هانری فورود، شارل: فرهنگ شرکت‌های چند ملیتی، ترجمه مهشید ملکی معیری، نشر تندر، ۱۳۶۰.
۱۴. شهیدی، مهدی؛ یزدانیان، علی‌رضا: حقوق مدنی، قلمرو مسئولیت مدنی، تهران، ادبستان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۵. صفار، محمد جواد: شخصیت حقوقی، تهران، دانا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا و همکاران: آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۱۹۸۶-۱۹۴۸)، جلد اول، (ترجمه)، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۷. غمامی، سید محمد مهدی: «بررسی مفهوم اقامتگاه در حقوق مدنی فرانسه»، نشریه کانون، سال چهل و هفتم، دوره دوم، آبان و آذر ۱۳۸۳، شماره ۵۳.
۱۸. قربان‌نیا، ناصر: «شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی»، نامه مفید، ۱۳۷۷، شماره ۱۴.
۱۹. کریم‌کاشی آرانی، رضا: «تعارض دادگاه‌ها در دعوی توقف شرکت‌های چند ملیتی»: فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۶، شماره ۲.
۲۰. لطفی، محمدکاظم: جایگاه شرکت‌های چند ملیتی در جامعه بین‌المللی اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر محمد امامی تلامی، تیر ۱۳۹۰.
۲۱. مرآتی، علیرضا: تابعیت اشخاص حقوقی، استاد راهنما: نجادعلی الماسی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۲۲. نبی‌پور، محمد: «شرایط مسئولیت کیفری در لایحه مجازات اسلامی»، تعالی حقوق، ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۷.
۲۳. نصیری، مرتضی: حقوق چند ملیتی، شرکت نشر دانش افروز وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲۴. نصیری، مرتضی: «شرکت‌های چند ملیتی با توجه به قوانین ایران»، مجله روابط بین‌الملل ویژه شرکت‌های چند ملیتی، ۱۳۵۵، شماره‌های ۷ و ۸.
۲۵. فاتوروس.ا.ا: مسائل و روش‌های تعیین مقررات برای شرکت‌های چند ملیتی، ترجمه سیدعلی هنجنی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۵، شماره ۲.

ب- لاتین

26. Engle, Eric; 2006, "Extraterritorial Corporate Criminal Liability: A Remedy for Human Rights Violations?", ST. John's Journal of Legal Commentary, Vol. 20:2.
27. Kamminga, Menno and Zia-Zarifi, Saman; 2000, *Liability of Multinational Corporations Under International Law: An Introduction*, Kluwer Law International, 1-15.
28. Meeran, Richard; 1999, "The Unveiling of Transnational Corporations: A Direct Approach", in Michael K. Addo (ed.), Human Rights Standards and the Responsibility of Transnational Corporations, Kluwer Law International, 161-170.
29. Mongelard, Eric; 2006, "Corporate civil liability for violations of international humanitarian law", International review of the red cross, Vol. 88, No. 863.
30. Muchlinski, Peter; 1995, *Multinational Enterprises and the Law*, Blackwell Publishers.
31. **Organization for Economic Cooperation and Development**; 2012, World model UN.
32. **Organization for Economic Co-operation and Development**; 2002, Guidelines for Multinational Enterprises, 15 ILM (1976), at 967 (as amended in 1979, 1984 and 1991 at: www.oecd.org/daf/investment/guidelines/mnetext.htm
33. Prokopieva, Vassya; 2003-2004, **Parent Company Liability in Case of Subsidiary Insolvency -Time to Rethink Liability of Corporate Shareholders?**, Supervisor: Prof. Dr. iur. Peter Behrens, College of Europe, Bruges Campus, Law Department, for the Degree of Master of European Studies, European Company Law Academic.
34. Wildhaber, Luzius; 1980, "Some Aspects of the Transnational Corporation in International Law", 27 Netherlands International Law Review.